

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

یادداشت:

مواضع پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را درقبال "تغییر" رئیس جمهور در ایالات متحده امریکا اعلامیه پورتال که به همین مناسبت نشر گردیده؛ نمایندگی می نماید. نشر نظرات متعدد درقبال این "تغییر" احترام مارا به امر آزادی عقیده و بیان می رساند.
پورتال AA-AA

حشمت الله آروین

ستاره کرزی رو به زوال است !

با پیروزی اوباما به مقام ریاست جمهوری امریکا، شانس برنده شدن کرزی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان رو به زوال است. اینکه آقای خلیلزاد، جلالی و یا شخصی دیگر، برنده ای ریاست جمهوری افغانستان شود، دو پانزده یکی است مگر تغییری غیر قابل تصور در پیشرو است. البته نه به سرعت طوفان. اوباما چالش و زد و بند های سیاسی را در دور اول ریاست جمهوری خویش نیز همراه و سر راه دارد، مگر نه به حد بوش. اوباما از اشتباه و خلا های سیاسی که بوش در طی دو دوره ای ریاست جمهوری خویش در عراق و افغانستان ناشی و به وجود آورده بود؛ تجربه و آموخت. گرچه دموکرات ها نسبت به جمهوری خواه ها نیز درقبال سیاست و مسئولیت های شان خواب سنگین دارند و به مشکل به موضوعات و حل مسائل سیاست بین المللی برخورد و رسیدگی میکنند، که نتایج و پیامد های ناگوار آن در عرصه های سیاست بین المللی، جهان را در بحران اضمحلال نا هنجار تاریخی روبرو و گرفتار میسازند. مثلاً در دو دوره ریاست جمهوری بل کلینتون یکی از دوره های سیاه آن در صحنه ای سیاست بین المللی موضوع رشد و ظهور طالبان دهشت افکن در افغانستان است، که بعداً به سرعت به یک سازمان تروریستی بین المللی مبدل شد، که تا امروز افغانستان و جامعه جهانی را نا آرام و مواجه به خطرات سیاسی، نظامی و اقتصادی نمود. چنانچه در ۱۹۹۶ که هنوز یک هفته از سیطره طالبان بر کابل نگذشته بود. خانم بینظیر بوتو ضمن مصاحبه با سرویس خبری بی بی سی گفت: پدیده ای طالبان در سال های جهاد افغانستان از سوی امریکا، عربستان سعودی و انگلستان طرح و مورد تأیید قرار گرفت. نصرالله بابر جنرال متقاعد و وزیر اسبق پاکستان بنیان گذار اصلی پروژه طالبان به حساب می رود. موصوفه در مصاحبه خویش با فرانترپوست با صراحت اعلان نمود: سازمان «سیا» خود تروریسم را وارد این منطقه نمود. بینظیر بوتو در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن اعلان نمود، که پروژه طالبان به ابتکار انگلستان و با پشتیبانی کمک مالی عربستان سعودی، امریکا و با آموزش و تربیت پاکستان صورت گرفت. در سال ۱۹۹۰ سند از کمیته تروریسم کنگره امریکا بیرون داده شد که ترجمه آن بدین تفصیل صورت گرفته است:

"راپور تروریسم

کمیته تحقیقاتی حزب جمهوری خواه
بیرامون تروریسم و جنگ های غیر متعارف
واشنگتن دی سی اپریل ۱۹۹۰
ارتش افغانی و پاکستانی

دستگاه استخبارات نظامی پاکستان یک اردوی افغانی را به صورت آشکارا تربیت و توسعه و آنرا به منفعت حزب اسلامی گلبدین حکمتیار استعمال و به کار می اندازد. (۱) آ.آ.اس.آی تصمیم و قصد دارد تا این قوای افغانی را برای درهم کوبیدن سایر نیروهای جهادی که در داخل خاک افغانستان به صورت محلی فعالیت دارند، به کار برده و در فرجام

برای پیروزی حکمتیار هموار ساخته شود. و با طرق حل سیاسی مسئله افغانستان اردوئی متشکل از فراریان قطعات اردوی کابل و کمپهای پناهندگان در ۱۹۸۶ شروع نموده اند. میخواهند آنها را در ازاء نیرو های دیگر مقاومت افغان و در مقابل پشتونهای پاکستان استعمال کنند. این طرح در حال آماده باش برای عمل و انجام هدف بزرگ پاکستان قرار گرفته است.

جلب افراد تعلیم و تربیه واحد های جدید اردوی افغانی ساخته دست آی.اس آی در ماه های اخیر به صورت چشمگیر توسعه یافته است. تا اینکه در جنگهای بهار آینده از آن کار گرفته شود. علی رغم موجودیت افغانهای شایسته اردوی مذکور به صورت عمومی تحت فرماندهی افسران پاکستانی و افغانهای که از طرف آی.اس آی کنترل میشوند، قرار داده شده است. نظریه گزارش در این اردو یک تعداد افسران عرب به خصوص مصری و شیخ نشینهای خلیج نیز وظیفه دارند. منصبداران پاکستانی ظاهراً رضا کارانی هستند که به مقصد اشتراک در جهاد افغانستان از وظایف شان استعفا داده اند. افسران و خورد ضابطان مذکور با وجود آنکه یونیفورم نظامی را در تن ندارند مگر از جمله کسانی هستند که به قوای مخصوص پاکستان و آی.اس آی مربوط میباشند.

در گزارش و ترجمه آن آمده است که لوای تخار در ظاهر به حزب اسلامی حکمتیار تعلق دارد و از طرف آی.اس آی برای عملیات جنگی در نزدیکی سرحدات شوروی حاضر و آماده ساخته شده است. اداره این نیرو در تحت فرماندهی بشیرچاه آبی فرمانده حزب اسلامی در ولایت تخار که مسؤول کشتار وحشیانه چند تن از فرماندهان احمد شاه مسعود «شورای نظار» در ماه جون ۱۹۸۹ میباشند، گذارده شده است.

در اپریل ۱۹۹۵ وزارت خارجه امریکا ، شورای امنیت ملی و سازمان سیا به طور مشترک گروهی را پدید آوردند که در زمینه میزان وجود نفت و گاز دریای خزر مطالعات کنند. در همین ماه مقامات مسؤل ترکمنستان با شرکت امریکائی یونیکال مذاکرات مقد مائی خویش را در زمینه کشیدن خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان از راه افغانستان آغاز نمودند. افغانستان در زمان حضور روسها برای امریکاییها اهمیت سیاسی و نظامی داشت. پس از عقب نشینی روسها دارای اهمیت اقتصادی شد. زیرا این کشور در نزدیکی بحیره کسپین همجوار آسیای میانه و چاه های نفت و گاز و در راه عبور آن واقع گردیده است. بحیره کسپین شباهت به طشتی دارد که اقیانوس از نفت و گاز را در دل خود جا داده است. در اکتوبر ۱۹۹۴ نصرالله بابربا وزیر داخله پاکستان همراه با یکی از دیپلماتهای بلند پایه امریکا داخل خاک افغانستان شدند ، تا پلان پاکستان را به صورت زنده برای او روی اراضی شرح دهد.

مولوی فضل الرحمان هم پیمان بینظیر بوتو و رئیس کمسیون روابط خارجی پارلمان پاکستان فرمانی را مبنی بر مسدود سازی مدارس دینی بروی طلاب افغانی برای پنج سال صادر نمود. ملا های جمعیه العلمای پاکستان همزمان با این فرمان فتوائی را صادر نمودند که در آن از جهاد فرض عین یاد شده بود و از تعلیم به نام فرض کفایه در این فتوا آمده بود.

که از همین اکنون به خاطر اقامه ای دولت اسلامی در افغانستان دست به کار شده و هر زمانی که این مامول برآورده شد فقط در آنوقت است که میتوانند به مدارس شان برگردند.

خوب خوانندگان ارجمند ! قبل از پرداختن به ادامه سند ترجمه شده ، باید به عرض برسانم که در سال ۱۹۹۴ در افغانستان حکومت اسلامی که رئیس جمهور آن محترم پروفیسور برهان الدین ربانی بود (۲) ، چطور و به رویت کدام اسناد غداران ملحد پاکستان و مزدور انگلیس ، حکومت اسلامی را در افغانستان متهم به کفر و الحاد دانسته و فرمان فتوای جهاد را در افغانستان اعلام و شاگردان مدارس دینی را فرا خواند؟ این حرکت و اعمال خاینانه پاکستان مزدور مداخله در امور داخلی یک کشور ، تخطی آشکار از منشور سازمان ملل متحد پنداشته میشود ، که اگر امریکا و شرکای آن حامی اعمال و افعال قبیح و نفرین شده ای پاکستان در این پروژه نمی بودند ، سازمان ملل متحد ، امریکا و جامعه جهانی باید در ازاء پاکستان قاطعانه واکنش نشان داده و جلو مداخله و تعرض آنها میگرفتند. مگر متاسفانه یا خواب سنگین در سیاست دموکرات ها در ۱۹۹۴ باعث ایجاد این سناریوی غم انگیز در افغانستان شد، ویا برنامه و پلان همینطور ، سناریو غم انگیز را در افغانستان به منظور اهداف که در فوق وبعداً روی آن باز هم بر میگرددیم ، در برداشته بود؟

امیر ترکی الفیصل رئیس استخبارات سابق سعودی در اوایل سال ۲۰۰۱ مصاحبه با تلویزیون «ام بی سی» داشت که قسمت های از آن در شماره ۷ نومبر ۲۰۰۱ جریده الشرق الاوسط نیز به چاپ رسیده است. امیر ترکی میگوید: در ۱۹۹۵ به افغانستان و پاکستان رفت. در پاکستان نصرالله بابر وزیر داخله و بینظیر بوتو برایش گفت: طالبان بچه های من هستند. در ۱۹۹۴ زمانیکه طالبان قندهار را تصرف کردند و سپس به شکل بسیار سریعی ولایت های هم مرز خود را تحت کنترل خویش آوردند. محمود مستیری نماینده سازمان ملل متحد ، پیشروی طالبان را فال نیک و ظهور شانرا پدیده ای مثبت و موثر در بحران افغانستان دانسته آنها را شاگردان خوب که استقرار صلح و امنیت را در افغانستان به ارمغان می آورند ، توصیف کرد.

خوب میخواهم تبصره فشرده را به عرض برسانم: چرا آقای مستیری نماینده سازمان ملل متحد با وجود آنکه مدت طولانی را در پروسه و راستای سیاست بین الدول به خصوص به مسایل افغانستان و پاکستان بذل مساعی و مسؤولیت را در این پروژه به عهده داشت نتوانستند خصوصیات و شخصیت طالبان مدارس دینی را در مدت مدیریت شان تجربه و بعد به توصیف و تمجید آنها تصمیم می گرفتند. خیر ، در جنوری ۱۹۹۵ ولیام پیری وزیر دفاع امریکا به پاکستان سفر

کرد. پس از آن پاکستان را همکار و دوست خوب در منطقه خوانده و تهمت تروریسم را از آن کشور دور کرد. در اواخر سپتامبر ۱۹۹۵ کانگرس امریکا ممانعت فروش سلاح برای پاکستان را لغو نمود. دانا رورا باکر کانگرسمن جمهوریخواه ایالت کالفرنیا در سخنرانی ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۱ خود در کانگرس گفت: حکومت امریکا خود نقش مهم در ایجاد طالبان داشت. و همین امریکا بود که پاکستان، سعودی و کشورهای خلیج را در تأیید و تقویت آنها تشویق نمود.

خوانندگان ارجمند: توضیح و تشریح این سناریوی غم انگیز در افغانستان یک کتاب است که در صورت لزوم وقت، به دفعات باید تقدیم شود. صرف قسمت های که خدمت شما ارائه شد. روشن شدن حقایق و شناخت چهره ای حکمتیار و طالبان است، که بارک اوباما هرگز و هیچگاه برای محو و نابودی طالبان الی اکمال و به سر رسانیدن اهداف این پروژه، وعده های را که قبل از پیروزی شعار میداد؛ آنرا عمل کند. این نوع شعارهای آتشین و نشان دادن چراغ سبزی که امر طبیعی است که هر انسان در جهت رسیدن به اهداف و آرمان، حق مسلم خویش میداند. البته این را هم از نظر دور نمی داریم که اوباما ممکن تغییراتی را در پست های ادارات دولتی افغانستان که وضعیت موجوده را بتواند کمی تقلیل دهد، به وجود بیاورد اما مواضع سیاسی آن که در فوق اشاره شد تغییر نخواهد کرد.

پاورقی های پورتال:

(۱) ما را عقیده بر آن است که برای سلطه طلبان پاکستانی افراد ارزش نداشته، تطبیق سیاست های آنها مد نظر می باشد. اینکه این سیاست هارا گلبدین پیاده می نماید ویا ربانی ویا ملا عمر، از اهمیت درجه اول برخوردار نیست چنانچه به کرات دیده شده که پاکستان یکی را مقابل دیگری استعمال نموده، هر دو طرف را در یک رقابت خایانه قرار داده است

(۲) تاریخ سه دهه اخیر نشان می دهد که برای سلطه طلبان پاکستانی، اسلام ارزش ابزاری داشته در تمام مدت در صدد آن بوده اند که زیر نام دفاع از اسلام منافع آزمندانۀ خویش را برآورده سازند. لذا برای آنها نوعیت حکومت و فرد حاکم در درجه دوم اهمیت قرار داشت. هر چند در بستر واقعیت ها تفاوت ماهوی بین ربانی و گلبدین وجود نداشته، هر دو نفر جیره خوار و سرسپردۀ I.S.I بودند.